

فرایند صلح آمریکا برای افغانستان و نقش جمهوری اسلامی ایران



دولت آمریکا در دوره ترامپ با برجسته کردن هزینه‌های حضور طولانی‌مدت آمریکا در افغانستان و دست نیافتن به نتایج مورد نظر، تمرکز خود را بر مذاکره با طالبان و ایجاد دولتی با مشارکت این گروه و ادعای برقراری صلح و لزوم خروج از افغانستان قرار داد. در این راستا از اواخر سال ۲۰۱۸ مذاکراتی بین نمایندگان طالبان به مسئولیت ملابرادر، و دولت آمریکا به مسئولیت زلمای خلیل‌زاد، شروع شد و در نهایت به توافق بین آمریکا و طالبان در ۲۹ فوریه سال ۲۰۲۰ (۱۰ اسفند یا حوت ۱۳۹۸) منجر شد.

آمریکا در چارچوب بخشی از این توافق، تلاش‌هایی را برای برقراری گفتگو بین طرف‌های درگیر در افغانستان، یعنی طالبان از یکسو و جبهه معروف به جمهورییت ازسوی دیگر، صورت داد که به‌رغم برخی مخالفت‌های دولت افغانستان و با فشار آمریکا، سرانجام نمایندگان از حکومت افغانستان با نمایندگانی از طالبان در دوحه مذاکراتی را آغاز کردند و اولین دور این مذاکرات در ۱۲ سپتامبر ۲۰۲۰ (۲۲ شهریور یا سنبله ۱۳۹۹) در دوحه برگزار شد.

در عین حال، آمریکا موفق شد با جلب نظر تعدادی از بازیگران منطقه‌ای (روسیه، پاکستان و چین) و با هدف تسهیل در پیش‌برد طرح خود، نشست‌هایی فرعی را در کنار نشست‌های دوحه برقرار کند؛ مانند نشست‌هایی که در مسکو بین طرف‌های داخلی و با حضور نمایندگان کشورهای چین، روسیه، پاکستان و آمریکا برگزار شد و در نشست اخیر نیز نمایندگان ترکیه، قطر و سازمان ملل هم حضور داشتند.

با تغییر در دولت آمریکا و به‌رغم روی کار آمدن جناح مخالف که محور شعارهایش در دوران مبارزات انتخاباتی، مخالفت با تقریباً همه برنامه‌های ترامپ بود، طرح آمریکا برای افغانستان تداوم یافت و مشخص‌تر از همه، زلمای خلیل‌زاد مسئول مذاکرات در دوره ترامپ هم به کار خود ادامه داد و تقریباً در همان چارچوب قبیل فعالیت‌هایش را ادامه داد.

لکن، این تلاش‌ها تاکنون به نتیجه دلخواه نرسیده و نتوانسته حتی نشستی برگزار کند که خروجی قابل اعتنا و ملموسی داشته باشد که نتایج آن در عمل قابل اجرا باشد. علت این ناکامی عبارتست از:

• نحوه رفتار آمریکا در دوره ترامپ، بر این گمانه دامن زده بود که آمریکا با حاکمیت یافتن طالبان در افغانستان، مشروط به تامین برخی شرط‌های آمریکا، مشکلی نداشته و در این رابطه، به‌نوعی توافقی مشترک بین آمریکا-پاکستان-طالبان وجود دارد. موضوعی که نمی‌توانست و نمی‌تواند مورد قبول بسیاری از بازیگران دیگر داخلی و یا خارجی افغانستان باشد.

معاونت مطالعات سیاسی

مشخصات گزارش

شماره مسلسل:

۲۶۰۱۷۴۸۳

تاریخ انتشار:

۱۴۰۰/۲/۸



- شکل گرفتن ایده‌های نزد بخشی از نخبگان افغانستان که آمریکا بیش از آنکه به دنبال حل مشکل افغانستان باشد، در پی حل مشکل خود است و لذا سرنوشت افغانستان اهمیت چندانی برای این کشور ندارد.
- رفتار زلمای خلیل‌زاد حداقل نشان‌دهنده آن است که آمریکا، چه در دوره ترامپ و چه در دوره کنونی، بدون توجه به دستاوردهای این سال‌های دولت و ملت افغانستان، پذیرفته است که اولاً از ساختار قانونی و قانون اساسی افغانستان عبور کرده و برخلاف سازوکارهای آن و با پوشش دولت انتقالی، دولتی موقت را جایگزین دولت کنونی کند، که در مجموع می‌توان پذیرفت دولت فعلی بر مبنای سازوکارهای قانون اساسی به قدرت رسیده است. ثانیاً آمریکا پذیرفته است که در ترکیب این دولت موقت، طالبان تفوق و دست بالا را داشته باشد و مجموع سایر اقوام و گروه‌ها در بهترین حالت، سهمی مساوی با طالبان داشته باشند که این امر مطابق با واقعیت‌های صحنه افغانستان نیست و بسیاری از گروه‌ها و اقوام افغانستان نمی‌توانند به آن تن در دهند.
- برخی از تحلیلگران داخلی افغانستان، رقابت‌ها و یا خصومت‌های شخصی خلیل‌زاد با افراد و گروه‌هایی در درون ساختار دولت افغانستان را عامل پنهان، اما مهم دیگری در بن‌بست ایجاد شده در این مسیر می‌دانند. رواج برخی گمانه‌ها از مطرح شدن نام خلیل‌زاد برای ریاست دولت بعدی افغانستان یا حتی ریاست بر دولت گذار هم مزید بر علت شده است و این احتمال را برجسته می‌کند که تا زمان باقی ماندن خلیل‌زاد ممکن است آمریکا قادر به حل مشکل نباشد.
- طالبان بر امارت اسلامی اصرار دارد و شواهدی هم در دست نیست که در آینده از آن کوتاه بیاید. هرچند حاضر است حداکثر از عنوان «نظام اسلامی» به جای «امارت» استفاده کند. در مقابل هم تاکنون هیچ شواهدی وجود ندارد که نشان دهد طالبان، جمهوریت نظام سیاسی و اصل انتخابات بر مبنای کنونی را بپذیرد. آنچه طالبان قبول دارد "شورای حل و عقد" است و نه انتخابات به معنای رایج؛ موضوعی که مخالفت دیگر گروه‌های افغانی و به‌ویژه جامعه مدنی این کشور را برانگیخته است.
- طالبان با اشاره به توافق خود با آمریکا در دوحه بر آزادی واپستگان به خود از زندان‌های دولت افغانستان اصرار دارد. ولی دولت افغانستان با ذکر آنکه افراد قبلی آزاد شده از این گروه، مجدد به درگیری با دولت پیوسته‌اند، حاضر به پذیرش این خواسته نیست و آن را سبب تشدید درگیری‌ها و تقویت طالبان در این درگیری می‌داند.
- مساله دیگر، اصرار طالبان به خروج نیروهای آمریکایی در زمان مقرر در توافق (اول ماه می) و عدم پذیرش مذاکره جدی تا پیش از اجرای این بند از توافق است. اما در مقابل، دولت افغانستان این خروج را نمی‌پذیرد و آن را سبب تشدید درگیری‌ها می‌داند. متحدان غربی آمریکا نیز هم در دوره ترامپ و هم در این دوره، این نحوه خروج را به زیان شرایط خود و افغانستان می‌دانند، البته در داخل دولت آمریکا نیز بر سر این موضوع حتی در زمان ترامپ توافق وجود نداشت و بخش‌هایی از جمله پنتاگون، با این زمان‌بندی و نحوه خروج مخالفت داشتند که این مخالفت‌ها، زمان‌بندی مذکور را دچار تردید کرده است و اخیراً هم بایدن آن را به یازدهم سپتامبر آینده موکول کرده است.
- مقاومت اشرف غنی، رئیس‌جمهور افغانستان، در برابر تحقق طرح زلمای خلیل‌زاد و شکل‌گیری دولت موقت با سقوط دولت کنونی. کاستی‌های روند معروف به دوحه، آمریکا را برای پیش‌برد برنامه‌اش در افغانستان دچار مشکل کرده است. یکی از این نقص‌ها در کنار موارد فوق، به‌رغم اصرارها و پیشنهادهای آشکار و مستقیم و احتمالاً نیمه پنهان و غیرمستقیم برای همکاری، عدم موافقت جمهوری اسلامی ایران با حضور در مراحل مختلف آن روند بوده است. موضوعی که از دید آمریکا، حداقل، می‌تواند موجبات تخریب روند بازی آن کشور را فراهم آورد و یا آن را با تأخیرهای جدی مواجه سازد.

به همین دلیل، هیئت حاکمه جدید این کشور برای رفع این کاستی‌ها تلاشی را آغاز کرده تا از ظرفیت‌های بیشتری در جهت برنامه‌هایش بهره بگیرد، از جمله جلب مشارکت بازیگرانی مثل ایران و احتمالاً رقم زدن سرنوشتی همانند اجلاس بُن در سال ۲۰۰۱. اما مهم‌ترین عاملی که سبب عدم مشارکت ایران در روند جاری بوده، مدیریت انحصاری آمریکا بر کل فرایند بوده است. بر این اساس، آمریکا می‌کوشد با به خدمت گرفتن ظرفیت سازمان ملل، مسئله را به شکلی مناسب‌تر مدیریت نماید و لذا در ادامه روند دوحه دست به ابتکار جدیدی زده است تا نشست را در استانبول و با مدیریت مشترک سازمان ملل، ترکیه و قطر برگزار نماید و مدیریت خود را پوشش دهد.

در آن سوی ماجرا، سازمان ملل هدف اصلی نشست جدید را تسریع در مذاکرات طالبان و طرف‌های مقابل در افغانستان اعلام می‌کند.^۱ لکن، نکته مهم این است که این مذاکرات به تصریح این نهاد در ادامه و چارچوب توافقات دوحه است. از سوی دیگر، شواهد زیادی نشان می‌دهد که در اقدام جدید، قصد آمریکا آن است که با شبیه‌سازی نشست بُن و جلب موافقت بازیگران اصلی، دولت گذار را شکل دهد و مقدمه‌ای بر ساختارهای جدید حاکمیت در افغانستان ایجاد کند. اما مسئله درخور توجه آن است که در اجلاس بُن، ساختار قانونی مورد قبول در داخل و خارج از افغانستان وجود نداشت و در حقیقت بنایی بر زمینی خالی ایجاد شده بود، ولی در وضعیت کنونی، ساختاری پذیرفته شده در داخل افغانستان و در سطح جهانی وجود دارد که به نظر می‌رسد آمریکا، به‌رغم حضور تعیین‌کننده خود، نتوانسته اهدافش را برآورده سازد و لذا در نظر دارد بنیانی تازه را در افغانستان ایجاد کند که بیشترین خدمت را به منافع آن کشور بنماید.

اما در این میانه، جمهوری اسلامی ایران که همه طرف‌ها آن را به‌عنوان یکی از بازیگران اصلی صحنه افغانستان پذیرفته‌اند، فعالیت چندان آشکاری در تحولات مهم اخیر ندارد و بررسی وضعیت نشان نمی‌دهد که ایران در حال ایفای نقش فعالی در این تحولات باشد. این امر با توجه به تأثیرات جدی تغییرات در افغانستان بر جمهوری اسلامی ایران، بر نگرانی‌ها می‌افزاید. گرچه روابط سنتی، تمدنی، دینی و تاریخی ایران با اقوام و گروه‌های افغانستان در کنار همسایگی، امکان برشماری برخی اقدامات را در جهت منافع کشور فراهم می‌سازد، اما نشانه‌ای جدی نیست که این موارد را از سر حضور و اثرگذاری فعال ایران بدانیم. این مهم وقتی برجسته‌تر می‌شود که به اثرگذاری ایران بر روند قبلی و شکل‌دهی به ساختار قانون اساسی و حاکمیت کنونی این همسایه توجه شود. به‌گونه‌ای که به اعتقاد بسیاری از تحلیلگران، اگر همراهی ایران در آن زمان نبود، احتمالاً امکان تشکیل دولت و ساختار کنونی در افغانستان فراهم نمی‌گشت.

بر این مبنا و با عنایت به تجربه‌های در دست، نگرانی‌ها جایی افزوده‌تر می‌شود که احتمال برود این انفعال و نداشتن طرح و برنامه‌ای مستقل و متناسب سبب شود، ظرفیت ایران در پوشش حضور در فرایند مدیریت شده از طریق سازمان ملل، در چارچوب پیش‌برد طرح آمریکا به‌کار گرفته شود؛ طرحی که نه ایران و نه دوستان ایران در افغانستان در طراحی آن نقشی نداشته‌اند و یا اگر دوستان ایران نقشی داشته‌اند، چندان تعیین‌کننده نبوده است. از سوی دیگر، این انفعال می‌تواند باعث انشقاق در جبهه دوستان و همراهان جمهوری اسلامی هم شود. علاوه بر آن، اهمیت یافتن نقش سایر بازیگران منطقه‌ای، به‌ویژه کشورهای رقیب در چارچوب طرح آمریکا، نقش آفرینی ایران در آینده تحولات افغانستان و بالتبع امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران را تضعیف کند.

1. UN and partners announce Afghan peace summit will convene in Turkey this month || UN News